



عکس: سجاد صفری

محسوب نمی‌کنید.

ما گفتیم چه‌ها با نیت پاک و برای خدا به جنگ می‌روند و این خاک، حضرت آقا هم گفتند خاک آذربایجان است، در این شکی نیست اما علی‌اف برای آزادی قره‌باغ نمی‌جنگد. گفتند شما هم فراهوان

بد هید. ما گفتیم فراهوان نمی‌دهیم، ولی نمی‌گوییم کسانی که می‌روند شهید نیستند، می‌گوییم در کنار مردم باشید، در پشت جبهه کمک کنید، کنار خانواده شهدا باشید و در تشییع جنازه‌ها شرکت کنید، اما بدانید

این جنگ صرفاً یک بازی است. الهام علی‌اف اجازه نمی‌دهد طرف در خانه‌اش یک یاحسین بگوید، هیأت‌ها و مدارس علمیه را تعطیل کرده، پرچم امام حسین (ع) ممنوع است، بعد در جنگ قره‌باغ اجازه می‌دهد زیر پرچم حسین (ع) سینه بزنند؟ آقایان می‌آمدند در ایران گزارش می‌دادند که اینها دارند یاحسین می‌گویند و کار فرهنگی ما جواب‌آورد. ما گفتیم اگر به همین کسی که دارد در جنگ یاحسین می‌گوید، بگویند به تبریز حمله کن، یاحسین‌ها گویان‌ها تبریز می‌آید. من نمی‌توانم خودم را گول بزنم و به شما هم دروغ بگویم. روی این مردم سال‌های سال برای نفرت از ایران کار شده.

ما احساسی برخورد نکردیم، چون این شرایط را می‌دیدیم؛ هم نگاه فرهنگی و تمدنی داشتیم و هم نگاه امتی. گفتیم هم شیعه در خطر است هم پایگاه مردمی ایران و هم مرزهای ایران در خطر است.

هم منافع جمهوری اسلامی ایران و هم منافع خود مردم آذربایجان در خطر است، چون چیزی از این جنگ برای مردم آذربایجان و حتی برای خود الهام علی‌اف عاید نخواهد شد. حضرت آقا سه تا نکته فرمودند؛ یکی اینکه مرزهای بین‌المللی باید حفظ شود، دوم اینکه امنیت منطقه مهم است و حرفی که فشار زیادی از روی ما برداشت اینکه فرمودند منابع موقت گزارش داده‌اند که تروریست‌ها را به این بهانه به مرزها آورده‌اند. حضرت آقا کلمه تروریست را به کار بردند که اعم از تکفیری و اسرائیلی و آنهاست. با این همه بعد از جنگ باز یک عده به ما فشار می‌آوردند که به الهام علی‌اف تبریک بگویید.

جناب حاجی‌زاده شیخ توحید گفتند در آذربایجان روی نفرت از ایران خیلی کار شده؛ مگر این مردم همان مردمی نیستند که زمان فروپاشی شوروی سیم‌های خاردار مرز را پاره می‌کردند تا این طرف بیایند و خاک

ایران را بیوسند؟

بله زمانی این اتفاق افتاد ولی حالا فرزندان همان مردم پرچم اسرائیل را می‌بوسند. شاید برای شما هم سؤال باشد که چطور پایگاه مردمی ایران از ۸۰ درصد به زیر ۱۰ درصد رسیده و جمعیت ۹۰ درصدی شیعه در خوشبینانه‌ترین حالت ۶۰ درصد شده؟ اول به مذهب کاری نداشتند و روی یک هویت جعلی برای مردم آذربایجان کار کردند. تعریف هویت جدید کار برندا سفیر اسرائیلی بود که بعد عوامل‌شان در ایران هم همان تعاریف را ترجمه کردند حتی در دانشگاه تهران. بنابراین مذهب هم در قالب همین الگوی جدید قرار گرفت. گفتند شما از ابتدا یک آذربایجان بزرگ بوده‌اید و ایران شما سنی هستند و به سیف صفوی شیعه شده‌اید. فکری می‌کنید و هابیت چطور در جامعه آذربایجان رشد کرد؟ برخی کشورها در اینجا عمیقاً کار می‌کردند. آن وقت برخی دوستان ما با وجود اینکه پایگاه مردمی هم داشتند، فکر می‌کردند اگر برون‌باکو حد و سوره یاد مردم بدهند کار تمام است. فکر می‌کردند خبر علی‌اف شیعه است و ما هم شیعه هستیم و همزبانیم و... درحالی‌که آنها داشتند روی شیعه صهیونیستی و شیعه درباری کار می‌کردند. کار با پیش‌کردن لباس مشکی برای عزاداری درست نمی‌شود. مردم می‌رفتند دم مراکز دولتی ایران لباس مشکی و پرچم می‌گرفتند و چند قدم آن طرف‌تر دستگیر می‌شدند.

رسانه‌های باکو به دروغ می‌گویند در ایران هر روز یک ترک اعدام می‌شود و مردم هم باور می‌کنند. به آنها قبولانده‌اند که از اول یک کشور بزرگی به نام آذربایجان بوده و ایران نیمی از آن را تصرف کرده و ایران دشمن آنها و اسرائیل دوست آنهاست. چون هویت آنها را اسرائیلی تعریف کرده است. به همین دلیل ما معتقدیم حسینیون نباید تک‌بعدی و صرفاً با ساختار نظامی و امنیتی کار کند. همین حالا ما بیش از ۱۰۰ کانال داریم، بینندگان چند صد هزار نفری داریم، گاهی یک فیلم ما میلیون‌ها بیننده دارد. البته همین فعالیت‌ها باعث می‌شود که از مجراهای دیپلماتیک گاهی به ما فشار وارد کنند. در دولت قبل خیلی تحت فشار بودیم. رسانه‌های اسرائیل در باکو بشدت ما را می‌زنند، چون فهمیده‌اند دست‌شان برای ما رو شده و ما برای روشن کردن افکار مردم چکار داریم می‌کنیم.

آنها کتاب‌های تاریخی دبستان را عوض کرده‌اند، ما هم به این موضوع ورود کرده‌ایم. به عنوان مثال کتاب تاریخ کلاس پنجم که هم نقدش کردیم و هم کتاب دیگری نوشتیم و شروع کردیم به تدریس در فضای مجازی که الان حدود سه هزار مخاطب دارد. حسینیون اگر فقط کار نظامی می‌کرد با ما مشکلی نداشتند ولی ما به بحث رسانه ورود کردیم.

اجازه دهید از جناب اورخان محمداف به عنوان مسئول مرکز مطالعات آذربایجان حسینیون بیروم که در آذربایجان هویت چگونه عوض شد و فرهنگ ایرانی در قفقاز چطور یا پس کشید؟

زمانی تا کاران حوزه تمدنی ایران بود. حتی زمانی که روس‌ها مناطق ترک‌نشین تاتارستان را گرفتند، حرف زدن به زبان فارسی یک پرستیژ محسوب می‌شد. یعنی دویست سال پیش، در خود قفقاز افراد باسواد و با کلاس فارسی صحبت می‌کردند. و فرهنگ ایرانی کاملاً زنده بود. متأسفانه به تدریج این مرزها را از دست دادیم و این مرزها امروز به تبریز و تهران رسیده و این واقعیتی است که باید قبول کنیم. چرا ما باید به این مسائل بپردازیم؟ چون امروز فقط با هویت مذهبی نمی‌شود کار کرد.

بچه‌ای که در خانواده‌ای بزرگ می‌شود دوست دارد بداند که پدربزرگش کی بوده، فارغ از اینکه چه مذهبی داشته. بچه می‌پرسد فلان شخصیت تاریخی با من چه نسبتی دارد؟ حالا پاسخ این پرسش‌ها را دشمن می‌نویسد و به او می‌گویند ضد ایران بوده و بچه هم ضد ایران می‌شود. بعد به تدریج ضد شیعه هم می‌شود. من به عنوان یک روحانی و یک حوزوی عرض می‌کنم که ما فقط روی هویت مذهبی کار کرده‌ایم و هویت تاریخی و تمدنی را رها کرده‌ایم. خب وقتی که ما تاریخ خودمان را

تعریف نکنیم دشمن برایمان تعریف می‌کند و البته تعریف می‌کند. وقتی ما منسوبیت ملی خودمان را درست تعریف نکنیم دشمن برایمان منسوبیت می‌تراشد و اگر ما نتوانیم باشد و درستی به فرزندان‌مان بگوییم که آنها فرزند کدام تمدن هستند، دشمن به آنها می‌گوید.

بعد چه می‌شود؟ شخص الان شیعه است، ولی خودش را در قالب یک تمدن غیر می‌بیند. تمدنی غیر از تمدن ایران، غیر از تمدن و هویت تاریخی که باید تعریف می‌شد و نشند و جعل شد.

الان جوان باکوئی می‌گوید من شیعه هستم، ولی ایران دشمن ماست. می‌گوید یک شیعه آذربایجانی هست و یک شیعه ایرانی که ضد هم هستند. ما اسم این نوع شیعه جدید را گذاشته‌ایم شیعه صهیونیستی که کاملاً ضد فارس است و ایران و زبان فارسی را دشمن خود می‌داند.

وقتی یک ایدئولوژی برود، جای آن خالی نمی‌ماند، بلکه یک ایدئولوژی دیگر می‌آید و جای آن را می‌گیرد. زمان شوروی یک هویت برای ما تعریف شده بود، در قالب شوروی کمونیستی.

این فروپاشید و از سمت حوزه تمدنی ایران چیزی جایگزین نشد. خب وقتی شما وارد نشوید عثمانی‌ها وارد می‌شوند. همین عثمانی که تبریز، ارومیه و گنجه را با خاک یکسان و بعد نومیس مردم تجاوز کرده بودند به از فروپاشی شوروی دوباره وارد شدند و همه جا تبلیغ کردند که ما همه ترکیم و دوست شما هستیم. بعد گفتند تو شیعه توراتی هستی و با شیعه ایرانی فرق داری. اشتباه نشود توران به معنای ترک نیست، حتی همین را هم جعل کرده‌اند. توران نماد توحش و بربریت است و ربطی به ترک ندارد.

به هرحال وقتی فرهنگ متعالی ایرانی با پس بکشد توحش توراتی جای آن را می‌گیرد.

خب اول گفتند شیعه باش ولی توراتی بعد چه شد؟ بچه‌ها به تدریج بزرگ شدند و گفتند پدربزرگ ما کی بوده؟ خب باید یک شخصیت ترک معرفی می‌کردند، گفتند مثلاً فلان کس بوده، بچه هم می‌گویند خب من می‌خواهم به اصل خودم برگردم می‌خواهم پیرو اوغوزخان باشم نه ایرانی هستیم نه شیعه. توجه کنید ما از کجا ضربه خورده‌ایم. دشمن این را فهمیده بود ولی متأسفانه دوستان ما نفهمیده بودند. می‌گفتند بروید آنجا حدیث بخوانید و مهر و جانمزا ببرید کار تمام است. در صورتی که این طور نبود. من می‌گویم تاریخ قبل از اسلام را هم ما باید تعریف کنیم، اگر شما تعریف نکنید موج‌سواری دشمن شروع می‌شود. شما فلان پادشاه را می‌گذارید کنار، دشمن می‌گوید ای جوان بیا! کوروش این‌طور بوده و آن‌طور بوده و تو هم فرزند همان کوروش هستی پس مثل او باش. خب کوروش چطور بوده؟ همان‌ها بلند چه بگویند. وقتی تو این را ننویسی، دشمن می‌نویسد و جوان تو را می‌دزد. در آذربایجان همین اتفاق جوی چشم ما افتاد. شخصیت‌های تاریخی ما کاملاً تحریف شدند به صورت ضدایرانی درآمدند. جوانشیر کی بود؟ جوانشیر از سلاله مهرانی‌ها بود. این را الان دارند ضدایرانی نشان می‌دهند.

وقتی به جای قره‌باغ، می‌گوییم آرتساخ در آذربایجان واویلا می‌شود که آرتساخ از ارشاکیه گرفته شده و آنها از ارشاکیه بودند که کاملاً تمدن ایران است. بچه‌های ما دارند روی مناطق جغرافیایی توپوگرافی کار می‌کنند، همه نام‌ها فارسی است. تقریباً بدون استثنا به غیر از چند مورد که عربی و زبان‌های دیگر است. اسناد جغرافیایی همه فارسی است، چرا اینجوری است، یک هویت جعلی پرایش تعریف می‌کنند و در همان قالب، حتی یک مرجع تقلید شیعه هم برود و با آن جوان صحبت کند، قبول نمی‌کند. امروز جوان می‌خواهد بداند پدربزرگش کی بوده و تاریخش چی بوده؟

جورج اورول می‌گوید کسانی که امروز را مدیریت می‌کنند، دیروز را مدیریت می‌کنند و کسانی که دیروز را مدیریت می‌کنند فردا را مدیریت می‌کنند. یعنی اگر امروز مدیریت شما درست باشد و متوجه تاریخ باشی، فردا هم دست تواست. متأسفانه ما غفلت کرده‌ایم. ایران ظرفیت‌های عظیم و عجیبی دارد. اول قرن بیستم در قفقاز اگر یک شاعر می‌خواست خودش را به شعان شاعر تثبیت کند باید برای فردوسی نظریه می‌نوشت.

بدون استثنا حتی محمد امین رسول زاده پندر کان ترکستان آذربایجان در «عصر سیواوش ما» می‌گوید هویت آذربایجانی نمی‌تواند کاملاً ایرانی‌ت را کنار بگذارد. وقتی بحث توران را مطرح می‌کنند، می‌گویند آذربایجان فرزند ایران توران است، سیواوش فرزند ایران توران است. آذربایجان امروز ان هویت را کاملاً کنار گذاشته بود اما به تدریج این اتفاق افتاد و ایران با تمدنش، با فرهنگش، با مذهبش، دشمن جلوه داده شد.



شیخ اورخان محمداف؛ مدیر مرکز مطالعات آذربایجان حسینیون؛

قرن‌ها ایران به اسلام خدمت کرده و ایران و اسلام با هم عجین شده‌اند. حاج قاسم می‌گفتند

ایران خیمه‌گاه اسلام است. یعنی واقعاً ایران اگر لطمه‌ای بخورد، نه فقط شیعیان و نه فقط اسلام، بلکه انسانیت از بین خواهد رفت.

انسانیت از بین خواهد رفت

مسیحی ارتدوکس هستند و روس‌ها هم مسیحی ارتدوکس هستند. کشور روس و تمدن روس از کی یف شروع شده و زبانشان یکی است. همه چیزشان یکی است، ولی اینها با یکدیگر می‌جنگند، چرا؟! چون غربی‌ها آمدند و برای اوکراینی‌ها یک هویت جدید تاریخی تعریف کردند. من رقتم و مدارس اینها را دیدم. بچه روس که در اوکراین بزرگ می‌شود، روسیه را دشمن خودش می‌داند. آن آقایانی که می‌گویند بین ایران و آذربایجان هیچی نمی‌شود و اینها زبانشان یکی است و مذهبشان یکی است یا خیلی خوش‌خیال هستند و با عمق تفکر ندارند. الان در جلوی چشم شما دو ملت ارتدوکس مذهب که روس‌زبان هم هستند و تاریخشان یکی است با هم دارند می‌جنگند، چرا؟! چون هویت تمدنی که برای اینها تعریف شده متفاوت است. از دید تمدنی اوکراینی‌ها، شما مدتی جزو لهستان بوده‌اید و در حقیقت غربی هستید و شرقی‌ها عقب‌مانده و بدبختند. می‌بینید که به همین خاطر دارند همدیگر را می‌کشند. ما مجبوریم هویت تمدنی را مطرح کنیم، و الا نمی‌توانیم جواب‌گوی نسل بعد باشیم. الان دشمن این کار را می‌کند که شیعه را در مقابل شیعه قرار بدهد. خب شما چطور می‌خواهید این مشکل را حل کنید؟

شیخ موسی نگاه شما در این زمینه چگونه است؟ چرا قفقاز تا این اندازه هویت خمیری دارد و هر بار به راحتی تغییر می‌کند؟ یاد هست جایی می‌خواندم که فقط در زمان شوروی پنج هویت مختلف برای این منطقه بویژه آذربایجان تعریف شد. زمانی گفتند شما تا تاریخ بعد گفتند ترک اوغوز هستید، زمانی دست برخی را باز گذاشتند و تبلیغ شد که شما هم سلجوق هستید...؟

اگر بخواهید یک ملت را بشناسید باید به دو چیز دقت کنید؛ مدارس و رسانه‌هایش. روس‌ها پس از دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای و از سال ۱۸۲۳ به بعد یک مرکز تأسیس کردند به نام قفقاز روحانی‌لری به معنای اداره روحانیون قفقاز که امروز هم هست.

یک فرد امنیتی این را مدیریت می‌کرد و کار اصلی‌اش کشدن از هویت ایرانی بود که خیلی هم موفق نشد. تا اینکه اسماعیل کاسپرینس، در اواسط قرن نوزدهم شروع کرد به پمپای این فکر که ما ترک هستیم و بحث توران را مطرح کرد، ولی گفت ما ترک‌ها باید روس باشیم و غیر از آن قابل تعریف نیستیم. بعد انگلیسی‌ها بر این موج سوار شدند و در عثمانی ترک را غیر از روس و یک مقوله مستقل تعریف و نفوذ کردند به آذربایجان.

آقای حسین جاوید و محمد امین رسول‌زاده و افراد مختلف هم آمدند و این را تطبیق دادند به مفهوم ملیت. تان موقع مردم ما با خودشان را ایرانی معرفی می‌کردند یا مسلمان. اصلاً بحث ترک و فارس نبود. می‌گفتند ایرانی هستیم یا می‌گفتند مسلمان روسیه هستیم.

حسن زردابی یک مقاله‌ای دارد که می‌گوید این مناطق همه‌شان فارسی‌زبانند و بنسدت دارند ترک می‌شوند و جلوی این را نباید گرفت. به تدریج آمدند روس‌ها سوار این موج شدند و اولین هویتی که تعریف کردند تاتار بود.

هنوز کسی از آذری حرف نمی‌زد. این اولین کلمه‌ای بود که روی مردم آذربایجان گذاشته شد بعد از کلمه ایرانی، بعد که رسول‌زاده در ۱۹۱۸، از دوستان ایرانی‌اش قهر کرد و رفت ترکیه کلمه‌ای نوشت به نام جمهورییت.

اواصالتاً فارس بود. در اولین صفحه کتاب می‌گوید ما هم منطقه آذربایجان نمی‌گفتند و ما برای اولین‌بار این را آذربایجان می‌نامیم و به تدریج کلمه آذربایجان و آذربایجانی شکل گرفت. سال ۱۹۲۰ کلمه ترک به تدریج رایج شد.

روسی‌ها این هویت را برای ایرانی‌زادایی تقویت کردند. بعد دوباره کلمه آذری برگشت و وقتی شوروی از هم پاشید با یک چیز مخلوطی مواجه بودیم. یک امریکایی هست به نام مایکل اسمیت که روی ترکیه تحقیق میدانی زیادی دارد.

یک کتاب تاریخی در سال ۱۹۹۰ می‌نویسد و می‌گوید من آمدم آذربایجان و دیدم که به هویت ایرانی‌اش دارد برمی‌گردد. حتی یک گزارش برای گورباچف نوشته بود که بزودی آذربایجان در آغوش آخوندها خواهد بود. اما خب دشمن هوشیار بود و فهمید چطور آذربایجان را از هویت ایرانی‌اش جدا کند. خود الفبای ما چهار بار عوض شده که این هم در بریدن از هویت تاریخی بی‌تأثیر نیست.



غربی‌ها هویت تاریخی را دستکاری می‌کنند

اوکراینی‌ها مسیحی ارتدوکس هستند، روس‌ها هم مسیحی ارتدوکس هستند. کشور روس و تمدن روس از کی یف شروع شده و زبانشان یکی است. همه چیزشان یکی است، ولی اینها با یکدیگر می‌جنگند، چرا؟! چون غربی‌ها آمدند و برای اوکراینی‌ها یک هویت جدید تاریخی تعریف کردند. من رقتم و مدارس اینها را دیدم.

بچه روس که در اوکراین بزرگ می‌شود، روسیه را دشمن خودش می‌داند. آن یکی است و مذهبشان یکی است یا خیلی خوش‌خیال هستند و با عمق فکر ندارند. الان در جلوی چشم شما دو ملت ارتدوکس مذهب که روس‌زبان هم هستند و تاریخشان یکی است با هم دارند می‌جنگند، چرا؟! چون هویت تمدنی که برای اینها تعریف شده متفاوت است. از دید تمدنی اوکراینی‌ها، شما مدتی جزو لهستان بودیده‌اید و در حقیقت غربی هستید، و شرقی‌ها عقب‌مانده و بدبختند. می‌بینید که به همین خاطر دارند همدیگر را می‌کشند.



برش

